

نصیرالدین طوسی و گفتمان مَهار در عهد نامسلمانی ایلخانان

سید ابوالفضل رضوی*

چکیده

واگرایی جامعه و حکومت و تقابل عناصر ایرانی با فرهنگ مغولان، که در پی عملکرد آنهادر عهد هجوم و چند دهه نابسامانی پس از آن حاصل شده بود، با تشکیل حکومت ایلخانی تعدیل شد و عناصر ایرانی را به هم‌گرایی با مغولان و تعامل با ایلخانان سوق داد. تعامل مذکور، سیاسی حساب‌شده در جهت تعدیل مشی حکومتی مغول، در برخورد با جامعه و اقتصاد و تلاش در راستای مهار رفتار مغولها و هم‌نوایی با عناصر بومی بود. اگر سلسله تلاش‌هایی که در جهت تعدیل رفتار مغولان با هدف احیای فکر و فرهنگ ایرانی - اسلامی و نزدیک کردن قوم غالب با مؤلفه‌های مدنی ایرانی صورت گرفت را «گفتمان مهار» نام‌گذاری کنیم، مقاله حاضر در پی آن است که سهم نصیرالدین طوسی، فیلسوف بزرگ دنیای اسلامی را در خصوص این گفتمان و میزان کارآمدی آن بررسی نماید.

واژگان کلیدی

مغول، ایران، ایلخانان، نصیرالدین طوسی، گفتمان مهار.

طرح مسئله

هجوم مغول و پیامدهای ویرانگر آن، جامعه مسلمان ایرانی را با بحرانی عظیم روبرو ساخت و ساختار جامعه را با گسست جدی مواجه کرد. به‌ویژه اینکه جامعه شهری - به‌عنوان مرکز ثقل حیات سیاسی و فرهنگی جامعه، آسیب بیشتری به خود دید. طبیعی بود که قشر فرهیخته و کارآمد شهری، با

razavi_edu@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲

*. دانشیار دانشگاه خوارزمی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

بهره‌گیری از تجربه‌های پیشین خود، برون‌رفتی را از بحران مذکور جستجو کند. نخستین تلاش افشار فرهیخته ایرانی، هم‌نوایی آنها با تشکیل حکومت ایلخانی به‌عنوان چاره‌ای ناگزیر، در جهت پر کردن خلأ سیاسی موجود، با هدف احیای نظم و امنیت نسبی بود.

جامعه ایرانی با درک دوره‌های مختلف هجوم خانه به دوشان آسیای میانه، قشر فرهیخته و نمایندگان فکری خویش را متقاعد کرده بود که رویکرد مسالمت‌جویانه با مغولان، بهترین گزینه برای فائق آمدن بر بحران موجود و بی‌نظمی و ناامنی همزاد آن است. بنابراین، با اتخاذ سیاست نزدیکی با مغولان و تلاش در جهت سوق دادن تقابل جامعه و حکومت، به‌سمت تعامل و هم‌گرایی، موجبات تحکیم پایه‌های قدرت ایلخانان را فراهم آوردند. طبیعی بود که جامعه ایرانی، حکومت ایلخانان نامسلمان و نامأنوس با سنن مدنی ایران را نمی‌پسندید؛ اما چاره‌ای جز پذیرش و همکاری با آن، در راستای جذب و هضم قوم غالب نداشت. پذیرش و تعامل مذکور فرصت مهار رفتار مغول‌ها و تعدیل رویکردهای سیاسی و اقتصادی آنها - به‌عنوان اصلی استراتژیک و گفتمانی کارآمد - را در اختیار ایشان قرار می‌داد، و موجبات آن را فراهم می‌کرد تا عهد فترت مغولی (۶۵۴ - ۶۱۶ ق) را به عصری کارآمد تبدیل کنند.

اگر رویارویی جامعه ایرانی با مغول‌های مهاجم (تا پیش از تشکیل حکومت ایلخانان) را در سه مواجهه: از برخورد تا تقابل (۶۲۴ - ۶۱۶ ق)؛ از تقابل تا تعامل (۶۳۰ - ۶۲۴ ق) و از تعامل تا مهار (۶۵۴ - ۶۳۰ ق) در نظر بگیریم، آنچه که موجبات برتری فکر و فرهنگ ایرانی - اسلامی را در برابر مغول فراهم کرد و در پرتو اسلام‌پذیری ایشان جنبه‌های عملی به‌خود گرفت، همانی است که در این نوشتار با عنوان «گفتمان مهار» از آن یاد شده است. گفتمان مذکور، ساحتی واقع‌گرا، عقلانی و مداراجویانه داشت و البته با منویات خاندان حاکم نیز همخوانی داشت.

این گفتمان، رویکرد سلبی و ایجابی را در کنار هم به کار گرفت، و لذا در کنار برخورد انتقادی با مغول، تشویق و تحسین آنها با هدف به‌کارگیری سنن کارآمد مغولی - سنی که در برقراری عدل و امنیت مؤثر بود - نیز در دستور کار داشت. رویکرد ایجابی مذکور، به‌ویژه در دستور کار خواجه نصیر بود که به‌حق با عنوان «فیلسوف گفتگو»^۱ معروف شده است.

نصیرالدین طوسی که به‌هنگامه آمدن هولاکو (۶۶۳ - ۶۵۴ ق) آن قدر شهرت جهانی داشت که «قآن» مغول، اعزام وی به دربار خویش را از هولاکو درخواست کند،^۲ با اشراف بر اینکه تنها طریق

۱. این مفهوم برگرفته شده از کتابی با همین عنوان از دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی است که نظر به ارتباط مستقیم «زبان مفهومی» و «زبان ملفوظی» می‌توان آن را بهترین مفهوم درجهت معرفی شخصیت فکری و فرهنگی خواجه قلمداد کرد.

۲. همدانی، جامع‌التواریخ، ج ۲، ص ۷۱۸.

برتری ایرانیان مسلمان، بر مغول‌های بیگانه و نامسلمان، رونق بخشیدن به فکر و فرهنگ است، با بهره‌گیری از علائق مغول‌ها به اندیشمندان، سعی در اعتلای علم و اندیشه کرد و مهم‌تر از راه نزدیکی به دستگاه ایلخانان، سعی در تشویق ایشان در برقراری عدل و امنیت نمود.

خواجه نصیر به‌عنوان شخصیتی آگاه به زمان که دوره‌های آمریت سیاسی خوارزمشاهیان، نزاریان و مغول‌ها را تجربه کرده بود، با اهتمام جدی به احیای فرهنگ و اندیشه و دعوت از سران مغول به نظم‌پذیری و عدالت‌ورزی، در رقم خوردن بستر امنی که جامعه و اقتصاد در پرتو آن به ثبات نسبی برسد، نقش جدی داشت. اگر موفقیت عملی خاندان دولتمرد و ادب‌پرور جوینی و دیگر بزرگان مسلمان در عرصه سیاست و اقتصاد را بخشی از گفتمان مهار قلمداد کنیم؛ نصیرالدین طوسی به‌عنوان حکیم و اندیشمندی آگاه به زمان، چه در اندیشه و چه عمل، بخش مکمل و از یک منظر طراح اصلی گفتمان مذکور به‌عنوان استراتژی هضم و جذب مغول‌ها در جوف فرهنگ و مدنیت ایرانی - اسلامی محسوب می‌شود. در همین جهت نوشتار حاضر در جستجوی پاسخ‌گویی به این دو سؤال است:

۱. نصیرالدین طوسی در تکوین گفتمان مهار در برابر مغول و رهیافت‌های مؤثر در آنچه جایگاهی داشت؟

۲. گفتمان مهار با رهیافت خاص نصیرالدین طوسی، چه پیامدهایی در پی داشت؟

ایران در برخورد با مغول و طرح گفتمان مهار

نظام سنتی، نظم طبیعی و شرایط یکنواختی که بر جامعه ایللی مغول حاکم بود و جنبه‌های آمریت و اجبار کمتری در خود داشت؛ در پرتو عملکردهای چنگیز، رو به دگرگونی نهاد و دوران‌گذاری را آغاز کرد که ویژگی مهم آن، ماهیت نظامی برتر و جستجوی خواسته‌های خویش، در چارچوب جنگ و غارت بود. هرچند در مقایسه با پیشینه سیاسی و اقتصادی مغولستان (و فراتر از آن سراسر استپ) دوره گذار مذکور، از نظم و انسجام قابل توجهی برخوردار بود؛ اما ماهیت نظامی پرننگ آن، موجب می‌شد که نتوان آن را نظامی منتظم و نهادینه به‌مانند ساختار نهادینه جوامع متمدنی که به‌اجبار مورد مواجهه آن قرار گرفتند، قلمداد کرد. نظام نوظهور چنگیزی، تنها برون‌رفتی از نظام طبیعی حاکم بر استپ، با تمام فقر و تنگناهای سیاسی و اقتصادی آن به‌شمار می‌رفت و برای اینکه به نظامی نهادینه و متشکل بدل شود، باید دوره گذار مذکور را با همه آشفتگی‌ها و زیاده‌خواهی‌های برخاسته از ماهیت و رهیافت نظامی خود از سر می‌گذراند.

جامعه ایرانی، در همین دوران گذار ساختار حیات جمعی مغول، مورد هجوم این قوم واقع شد. بنابراین، موضع ایران در برخورد با مغول، تقابل دو گونه ساختار حیات جمعی؛ ساختار ایللی با ماهیت کاملاً نظامی در مواجهه با اقتصاد و حکومت، و ساختار مدنی با ماهیت معتدل و نهادینه در سیاست و

اقتصاد بود. اگر تلاش مغول‌ها از دوره قدرت‌گیری چنگیز تا پایان عهد «قآن‌ها» و تکوین حکومت‌های مغولی در ایران و چین - و به موازات آن، سوق‌پذیری اولوس‌های اربعه چنگیزی به سمت نظم‌پذیری بیشتر - را کشاکش ناخودآگاه تا خودآگاه مغول‌ها در راستای نهادینگی قدرت و ساختار حیات جمعی قلمداد کنیم؛ سلسله دگرگونی‌هایی که در دوران حکومت ایلخانان حاصل شد را می‌توان تلاش آگاهانه جامعه ایرانی، در جهت تبدیل تقابل با مغول به تعامل با آنها قلمداد کرد.

تعامل مذکور که در پی انتصاب کارگزاران مغولی در ایران آغاز شد، با همه نظم‌ناپذیری اشرافیت نظامی مغول در این عهد دنبال، و در پی تشکیل حکومت ایلخانی به سیاستی آگاهانه - در راستای مهار بی‌نظمی‌های مذکور و نهادینگی سیاست و اقتصاد - تبدیل شد. رویکرد تعاملی عناصر فرهیخته ایرانی، در جهت مهار گرایش گریز از مرکز اشرافیت نظامی مغول، یا در قالب کارکردهای اجرایی و اداری و یا کارکردهای فکری و فرهنگی نمود داشت. از هر دو حیث نیز کاستن از ماهیت نظامی حکومت مغولی و تعدیل زیاده‌خواهی‌های آن و منع بهره‌گیری از مشی اقتصاد غارتی، در اداره قلمرو مورد اهتمام بود. به‌ویژه اینکه، تکوین حکومت ایلخانی نیز با همه نظم و ثبات نسبی که در پی آورد (و به‌عنوان جایگزینی جهت پر کردن بحران پس از هجوم مغول) در مراحل آغازین رنگ‌وروی نظامی‌تری داشت؛ رویکرد تعدیلی در جهت مهار رفتار مغولان، اقتضای بیشتری داشت. اگر خاندان جوینی را مصداق تلاش برای تعدیل رفتار مغول‌ها در امور سیاسی و اجرایی قلمداد کنیم، نصیرالدین طوسی را به‌سبب جایگاه بلند و دانش و بینش جهانی، و مهم‌تر از همه فعالیت علمی و عملی، می‌توان نماینده واقعی جامعه ایرانی - اسلامی در مقابله فرهنگی علیه مغول و مجری گفتمان فکری - فرهنگی مهار رفتارهای غیر مدنی مغول‌ها به‌حساب آورد.

جایگاه خواجه نصیر در فرهنگ سیاسی عهد ایلخانان

ابوجعفر نصیرالدین، محمد بن محمد بن حسن طوسی، در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران و اسلام می‌زیست. عهد پرآشوب سیاسی که اندک زمانی قبل از هجوم مغول‌ها در بلاد شرقی اسلامی حاکم بود، با هجوم مغول به بحرانی فراگیر انجامید و خواجه را برآن داشت که به اسماعیلیان دانش‌دوست پیوسته و در کنار تجربه‌های عهد خوارزمشاهی، از سلوک سیاسی، اعتقادی و اندیشه‌ای نزاریان نیز آگاهی لازم کسب کند.^۱ از امنیت موجود در قلاع نزاریان - چه در قهستان و چه الموت - در جهت تحصیل دانش و تحقیق و تألیف حداکثر استفاده را برد و در زمینه علوم مختلف، اندیشمندی

۱. رضوی، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیر طوسی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام،

جامع‌الاطراف شد.^۱ شهرت عالم‌گیر خواجه و نقش برجسته او، در اطاعت‌پذیری آخرین امام نزاری از هولاکو، وی را مورد توجه جدی خان‌زاده مغولی قرار داد.^۲ از زمان فتح الموت در سال ۶۵۴ ق / ۱۲۵۶ م. تا فتح بغداد به سال ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸ م، حکیم بزرگ تا بدان حد صاحب نفوذ شده بود که علاوه بر مشورت در امور جدی، مأموریت ایجاد رصدخانه مراغه - به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز فرهنگی - پژوهشی عهد ایلخانان و مکانی با هدف گردآوری اندیشمندان متواری و کتب و دستاوردهای فکری دنیای اسلام، و نظم و نسق بخشیدن به امور مالیاتی و تولیت اوقاف ممالک را - با شرایطی که خود تعیین کرده بود - را به‌دست آورد.^۳

نصیرالدین طوسی، با وجود همکاری عملی با ایلخانان و جلب توجه جدی آنها که در بیشتر عهد ایلخانی برای او و خانواده‌اش تداوم داشت، بخش زیادی از اوقات خود را به عرصه‌های فرهنگی اختصاص داده بود. نظر به تعداد آثار و تنوع حوزه‌های پژوهشی و تألیفی وی، بزرگ‌ترین و پراثرترین اندیشمندان قرون میانه، بلکه سراسر دوران اسلامی به‌شمار می‌رود.^۴ به‌ویژه اینکه خواجه طوسی، اندیشه و بینشی جهانی داشت و با به‌کارگیری مدارای اعتقادی در فکر و عمل، شخصیتی جهانی و وطن همراه با جسارت و شجاعت به‌خود گرفته بود؛ از نوعی آمریت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بود که در سوگیری شرایط جامعه و حکومت سهم مؤثر داشت. نقش اثرگذار او در رقم خوردن گفتمان آگاهانه‌ای که با عنوان سیاست مَهار رفتار غیر مدنی مغول از آن یاد شد نیز، با توجه به همین جایگاه برجسته او موضوعیت داشت.

خواجه نصیر، فیلسوف گفتگو و تعامل بود؛ اما در پشت گفتگو و سلوک او، گفتمان عمیقی نهفته بود که از بنیان‌های آن، در راستای احیای شرایط بهینه جامعه ایرانی و ترمیم و اصلاح آن استفاده می‌کرد. هرچند در آوردگاه فرهنگی مذکور، حکیم بزرگ طوسی تنها نبود و به‌گونه‌ای تمامی بزرگان مسلمان اعم از دولتمردان، شعرا، ادبا، فقها، عرفا و غیره به میدان آمده و در لوای حمایت‌خاندان جویی، مقابله جدی با مغول در جهت جذب و هضم آنها را در دستور کار قرار داده بودند؛ اما جایگاه و کارکرد نصیرالدین طوسی سواى دیگران بود.

خواجه نصیر هم دولتمرد و شاعر و فقیه و عارف و ادیب بود و هم در علوم منقول و معقول متعارف و غیر آن دستی طولانی داشت؛ به‌علاوه در عرصه‌های عملی جامعه نیز دخیل بود و در

۱. ر.ک: همدانی، *جامع‌التواریخ*، ج ۲، ص ۷۱۸.

۲. همان، ص ۶۹۳ - ۶۹۲ و ۶۹۶.

۳. همان، ص ۷۱۸؛ ابن‌عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۳۹۳؛ مدرسی زنجانی، *سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی*، ص ۹۳.

۴. لین، *ایران در اوایل عهد ایلخانان*، *رسانس ایرانی*، ص ۳۱۸.

عرصه های سیاست و اقتصاد نیز فعالیت می کرد. از این روی به تنهایی یک فرهنگ بود و طلایه دار پویایی و پایایی جامعه ایرانی - اسلامی، در برابر مغولان بیگانه و نامسلمان قلمداد می شد. بنابراین، می توان رهیافت های مؤثر در گفتمان مهار و پیامدهای حاصل از آن را به اندیشه و سلوک وی نسبت داد و سهم دیگران را در جوف کارکردهای او در نظر داشت.

رهیافت های مؤثر در گفتمان مهار

۱. کارکرد فرهنگی و نخبه پروری

علم و حلم و تدبیر و عظمت دانش و بلندنظری نصیرالدین طوسی و وسعت اندیشه و احاطه او بر علوم متعدد، مقوله ای است که عموم بزرگان عهد ایلخانی و دوره های متاخر بعدی، بر آن صحنه گذاشته و سهم آن را در عزت خواجه در نزد مغول و بهره گیری از این جایگاه، در حفظ و تعالی میراث علمی و تمدنی اسلامی تأکید کرده اند.^۱ صرف نظر از تعدد آثار و عرصه های مختلف علمی که در آنها دستی داشته است، اهتمام ویژه خواجه به ایجاد مأمنی برای جمع آوری علما و اندیشمندان پراکنده در جهان اسلام و تأسیس کتابخانه ای با چهارصد هزار مجلد کتاب در مجموعه فرهنگی - پژوهشی رصدخانه مراغه، اقدام مؤثری است که موجبات تقویت تمدن اسلامی را به عنوان طریق مؤثر مقابله با عنصر زیاده خواه مغول فراهم آورده است.

خواجه نصیر بر این واقعیت واقف بود که با پیشرفت علم و اندیشه و ارتقای سطح آگاهی جمعی و به ویژه جمع آوری اندیشمندان و تقویت حلقه های علمی و ادبی است که می توان مغول های بی فکر و فرهنگ را به عقب نشینی و اذعان بر برتری قلم در برابر شمشیر وادار کرد.^۲ بدون تردید اهتمام خواجه به مقوله های تعلیمی و تربیتی و ضرورت تقویت بنیان های حکمی و مقابله با جبر و تحجر بوده است که وی را به تدوین کتبی چون *آداب المتعلمین و اوصاف الاشراف و الادب الوجیز للولد الصغیر* و به ویژه *اخلاق ناصری* واداشته است.^۳ منابع و مصادر فکری خواجه در تألیف این کتب، از هر جایی که بوده باشد، یک هدف مهم را جستجو می کرده و آن غنا بخشیدن به اندیشه و بینش جامعه، برای مقابله با عنصر بیگانه مغولی و عزت بخشیدن به ساخت و ساحت فرهنگی جامعه، در راستای اثربخشیدن به ساخت سیاسی و نظامی آن بوده است.

خواجه نصیر با بهره گیری از دانش دوستی مغول ها و به ویژه علوم مورد علاقه آنها، سعی در رونق

۱. ر.ک: مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی، ص ۱۴ - ۱۲؛

Lane, *Early Mongol Rule In thirteenth- Century Iran, A Persian renaissance*, p. 213-215.

۲. ابراهیمی دینانی، نصیرالدین طوسی فیلسوف گفتگو، ص ۵۰۲ - ۵۰۱.

۳. ر.ک: همان، ص ۵۰۴ - ۵۰۳.

بخشیدن به فکر و فرهنگ کرد و با غنا بخشیدن به پژوهش‌های حکمی و خاصه اهتمام به حکمت عملی تلاش نمود، تا هم جبرگرایی و نومیدی فراگیر پس از حمله مغول در سطح جامعه را تعدیل کند و هم با تشویق علما و اندیشمندان، زمینه را برای نهادینگی سیاست و اقتصاد و همواری مناسبات مردم با حکومت هموار نماید.

۲. کارکرد اقتصادی و بهبودی بخشی

اهمیت اقتصاد و جایگاه معیشت را خواجه طوسی در ذیل حکمت و فایده‌مندی آن مطرح می‌کند و در جایگاه فیلسوفی عمیق، اهتمام به معیشت را از حیث مدنی بالطبع بودن حیات جمعی انسان‌ها و ضرورت تأمین آن، در پرتو تعاون و تعامل و تقسیم کار جمعی می‌نگرد.^۱ هرچند خواجه نصیر تألیف مستقلی در خصوص اقتصاد نداشته است، اما در جوف دیگر تألیفات خود و به‌ویژه *اخلاق ناصری* مطالب اقتصادی قابل اعتنایی را با اهتمام به مبانی اعتقادی خویش مطرح می‌کند. اهتمام به اصل کفاف و ضرورت ساده‌زیستی و رضایت به حد کفایت؛ تشویق جامعه به کار و تلاش بیشتر، با اعتنای به اهمیت و صحت نیروی کار در شکوفایی اقتصاد؛ توجه به اصل موااسات به‌عنوان قاعده‌ای اقتصادی - اخلاقی در جهت تعاون و همکاری عمومی، توجه به سخا و قناعت و عفو و کرم و ظلم‌ستیزی، ارزش کار و نگاه اخلاقی بدان، اهمیت اقتصاد در تکوین تداوم بنیان خانواده؛ شغل و حرفه، پس‌انداز و آینده‌نگری اقتصادی، اهتمام به عدالت اقتصادی، پول؛^۲ توجه به انواع درآمد، سلوک اقتصادی حکام و طرق امرار معاش جامعه^۳ و مهم‌تر نگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی داشتن به اقتصاد و جایگاه آن در ساختار حیات جمعی،^۴ بخشی از اندیشه‌های اقتصادی نصیرالدین است که با اعتنای به تعالیم اسلامی و با در نظر داشتن شرایط جامعه ایرانی پس از هجوم مغول و ضرورت هم‌گرایی و تعاون آن در تمامی عرصه‌ها مطرح شده است. به‌علاوه خواجه نصیر در عرصه عمل نیز فعالیت اقتصادی داشت و در نتیجه آشنایی با ریاضیات، در این عرصه نیز موفق بود. صاحب *تاریخ و صاف*، کارکرد اقتصادی خواجه نصیر را چنین گزارش می‌کند:

درباب توفیرات خزانه و ضبط اموال دیوان و تنظیم مصالح مملکت، قدرت تمام نشان داد. در اموال از مال مقنن و خراج و قبجور معین و املاک پادشاه رعیت و ترتیب چاپارها و زیاد ساختن عمارات و آبادانی بلوکات و مردود ساختن سکه‌های ناسره و ادا

۱. طوسی، *اخلاق ناصری*، ص ۱۳۴، ۲۰۵، ۲۵۰ و ۲۵۵.

۲. برای نمونه: همان، ص ۱۱۷ - ۱۱۴، ۱۳۵ - ۱۳۴ و ۲۱۵ - ۲۱۰.

۳. مدرسی زنجانی، *سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی*، ص ۲۹ و ۳۴.

۴. طوسی، *اخلاق ناصری*، ص ۲۰۷ - ۲۰۵؛ ناشناس، *تاریخ شاهی قراختانیان*، ص ۴۴ - ۳۹.

کردن مال خزانه، مشروط به زمان موعود، فرمانی مطول نوشت و نسخه آن را به اطراف ممالک بفرستاد.^۱

منصب مهم تولیت اوقاف در سراسر قلمرو ایلخانی، برای خواجه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ منصبی که برحسب جایگاه مؤثر وقف، در حیات اقتصادی جامعه جایگاه رفیعی محسوب می‌شد و پذیرش این منصب با قید هزینه کردن ده درصد از درآمد آن، در زمینه امور فرهنگی و پژوهشی، زمینه همواری در اختیار خواجه قرار می‌داد تا بتواند کارکرد اقتصادی خویش را با سیاست فرهنگی مقابله با مغول تنظیم کند، و از آن در جهت تقویت بنیان های فکری و اعتقادی جامعه، برای رویارویی با مغول بهره بگیرد.^۲

۳. کارکرد سیاسی و رهیافت تعدیلی

نصیرالدین طوسی در سراسر ایام پس از هجوم مغول، چه در عهدی که در نزد نزاریان می‌زیست و چه عصری که به دستگاه ایلخانان پیوست، مورد احترام و عزت بود. در نزد نزاریان به «خواجه کائنات»^۳ و در عهد ایلخانان به «استاد البشر» و «سلطان الحکما» مشهور بود.^۴ اگر گزارش‌هایی که او را وزیر نزاریان و یا ایلخانان قلمداد می‌کنند را به‌خاطر طبع بلند و دوری خواجه از پذیرش مناصب سیاسی نپذیریم، در جایگاه او به‌عنوان مشاور حاکمان وقت هیچ تردیدی نیست.

با هر جایگاه و عنوانی، موقعیت برجسته خواجه که از وجاهت علمی، بلندنظری و مدارای فکری و عملی او ناشی می‌شد، این زمینه را در اختیار او قرار داده بود که بزرگان فرهنگی و سیاسی را مورد حمایت قرار دهد، و در جهت‌گیری‌های سیاسی عهد هولاکو و آباقا سهم مؤثر داشته باشد. از این حیث، ارتباط نزدیک نصیرالدین با خاندان جوینی نیز موجبات اثرگذاری بیشتر او در حیات سیاسی و اجرایی عهد ایلخانان را فراهم می‌کرد و بدون تردید از فکر و تجربه او استفاده می‌کردند. به غیر از آنچه که درباره تلاش خواجه برای نجات جان عظاملک جوینی از خشم هولاکو نقل کرده اند، اهتمام خواجه به خاندان جوینی موجب شد که *اوصاف الاشراف* را به‌نام صاحب دیوان شمس‌الدین و ثمره *بظلمیوس* را به‌نام پسرش «بهاء‌الدین محمد» تألیف کند.^۵

۱. آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ص ۲۱۰.

۲. ر.ک: ابن‌شاکر الکتبی، *فوات الوفیات*، الجزء الثانی، ص ۳۰۹؛ مدرس زنجانی، *سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی*، ص ۱۴ - ۱۳.

۳. آقسرائی، *مسامرة الاخبار و مسامرة الاخبار*، ص ۴۷.

۴. همدانی، *جامع التواریخ*، ج ۲، ص ۷۱۸.

۵. *مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی*، ص ۶۷ - ۶۶.

سهم قابل اعتنای خاندان جوینی در اداره امور قلمرو ایلخانان و اهتمام آنها به سامان بخشیدن به حیات سیاسی و اقتصادی بخشی از عهد ایلخانان، به عنوان روش آگاهانه ایشان برای مقابله با مشی غیر مرسوم مغولان در امر حکومت‌داری بر کسی پوشیده نیست.^۱ مناسبات برجسته خواجه طوسی با این خاندان و جایگاه بلند وی نزد مغولان که وی و شاگردانش را مورد لطف قرار می‌دادند^۲ و در مهمات قلمرو با وی شور می‌کردند، سبب می‌شود که جایگاه سیاسی و اثرگذاری وی در امر سیاست را نیز بزرگ بشمریم؛ همچنین سهم وی را در گفتمان مهار رویکرد ایلی در امر حکومت‌داری، قابل اعتنا قلمداد نماییم.

۴. کارکرد حقوقی و توان بخشی فکری

نظام فکری و فرهنگی نصیرالدین طوسی بر مبنای عدل و مصلحت جامعه حاصل شده بود. خواجه نصیر که انسان را مدنی بالطبع می‌داند، به‌ویژه آنجا که در باب حکمت عملی و به‌خصوص رابطه مردم با حکومت بحث می‌کند، بر مقوله عدل تأکید مؤثری داشته و آن را جان‌مایه مناسبات حیات اجتماعی اعم از سیاست، اقتصاد و جامعه قلمداد می‌نماید.^۳ طبیعی است که از حیث حقوقی و تأثیرگذاری بر حاکمان، در جهت اجرای قوانین و رعایت سنن نیز اجرای عدالت را سرلوحه دیدگاه‌های خویش قرار دهد و تأمین امنیت و ترمیم التیام خلق را از منظر عدالت‌طلبی جستجو کند. خواجه که مدام پادشاه را به رعایت عدل در احوال و افعال رعایا دعوت می‌کند، و رعایت نظم و شؤون اقتصادی و اجتماعی را از این حیث می‌بیند؛ رعایت انصاف و سوئیت و احسان در میان رعایا را در جهت تکافی انصاف و حفظ قوام و انسجام جامعه، مهم می‌شمرد و از ملزومات تحقق قسط به‌شمار می‌آورد.^۴

در حکمت عملی موردنظر خواجه برحسب طبیعت مدنی انسان، تمامی اقشار جامعه، باید در عرصه حیات جمعی حضور فعال داشته باشند و به‌قدر توان خویش در تحقق عدل بکوشند. از این حیث نظام‌نامه فکری و حقوقی خواجه به‌گونه‌ای است که همه جامعه را به تحقق عدالت، به‌عنوان کارآمدترین طریق احقاق حقوق آنها دعوت می‌کند.

نگرش خواجه به ساختار اجتماعی که ضرورت انسجام، انتظام و قوام‌پذیری آن را در خود دارد، جامعه و حکومت را هم‌زمان به عدالت‌ورزی و ایجاد نظم و امنیت فرا می‌خواند.^۵ در «نصیحت‌نامه

1. Lane, *Early Mongol Rule In thirteenth-Century Iran, A Persian renaissance*, p. 187-212.

۲. همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۷۴۴.

۳. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۳۰۴ - ۳۰۱.

۴. همان، ص ۳۰۷ - ۳۰۵.

۵. رضوی، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیر طوسی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام، ش ۸۵/۲،

ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

خواجه به آباقا» رساله‌ای که در آغاز ایلخانی آباقا (۶۸۰ - ۶۶۳ ق) خطاب به شخص ایلخان تألیف شده است، ایلخان را به تعجیل در جهت جلوگیری از ارتفاع ناموس و قاعده و رعایت عدل و استحقاق دعوت کرده و ضرورت دلجویی از اصناف خلایق و استمالت لشکریان و کشوریان فراخوانده است.

رعایت ناموس و قاعده، داشتن صبر و تأنی لازم، صدور فرمان از سر عقل، مشورت در امور با عقلا و ارباب دانش، جستجوی رضای خدای تعالی، رعایت یاسای پدران در جهت ایجاد امنیت، و ثبات و سعی در آبادانی تا مال بسیار بی‌ظلم و رنج مردم حاصل آید بخشی از مطالب نصیحت‌نامه است که به‌صراحت ذکر می‌کند از باب «حکمت در سلک بیان کشیده ...» و قبولی آن را در جهت پایداری و کامرانی ملک خواسته است.^۱ در رساله‌ای که صاحب تاریخ شاهی قراختانیان آن را به خواجه نسبت می‌دهد و نظرگاه خواجه نصیر را درباره طبقات اجتماعی در خود دارد، رعایت نظم و تعادل در مناسبات میان اقشار جامعه و ضرورت اجرای تعادل مذکور از سوی پادشاه (و در زمان خواجه ایلخان مغول) به‌صراحت بیان شده است.^۲

۵. مداراجویی و توان تعامل‌بخشی

خواجه نصیر شخصیتی متساهل داشت و سلوک وی از هرگونه تعصبی فارغ بود. در کنار مبانی اعتقادی و اندیشه فلسفی خواجه که او را به مداراجویی، به‌عنوان مقوله‌ای که مناسبات انسان‌ها را تلطیف می‌کرد و آنها را به مسالمت در جهت قوام‌پذیری حیات جمعی و تحقق عدالت دعوت می‌نمود؛ تکوین شخصیت خواجه در دوران پرتلاطم قرن هفتم هجری و تجربه‌هایی که از سر گذرانیده بود نیز به‌نوبه خود، وی را به واقع‌گرایی و مداراطلبی سوق می‌داد.

خواجه نصیر با اشراف بر شرایط نومیدکننده دهه‌های نابسامانی پس از هجوم مغول، به تجربه دریافته بود که واگرایی و تنش در مناسبات اجتماعی، حاصلی ندارد و موجبات تداوم ظلم و ناعدالتی را فراهم می‌آورد. لذا ضمن دعوت به عدل و تعاون، در عمل نیز شخصیتی متعامل داشت و فارغ از هرگونه قید و محدودیت قومی، نژادی، دینی، مذهبی و فرقه‌ای با مخاطبان خود برخورد می‌کرد. سلوک وی در به‌کارگیری علما و اندیشمندانی از فرق و مذاهب مختلف در مجموعه رصدخانه مراغه، تلاش در جهت جمع‌آوری فرهیختگان و بزرگان بر گرد خویش و تعیین مواجب

۱. مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۶۴ و ۶۳، (رساله «نصیحت نامه خواجه نصیر برآباقا» از خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. ر.ک: رساله منتسب به نصیرالدین طوسی، در: ناشناس، تاریخ شاهی قراختانیان، ص ۴۱ - ۳۹.

شایسته برای ایشان،^۱ روابط حسنه با خاندان جوینی و دیگر کارگزاران مسلمان این عهد، و حتی اینکه برخی از کتب خویش را به غیر زبان فارسی و برای مخاطبانی عام نوشته است،^۲ نمونه‌هایی از رفتار روادارانه خواجه است که با اِشراف کامل بر شرایط موجود، روشی در جهت مَهار و تعدیل رفتار مغول‌ها با هدف آشنایی ایشان با دین و مدنیت ایرانی - اسلامی قلمداد می‌شوند. خواجه نصیر با علم بر تساهل اعتقادی مغول‌ها، ضرورت به کارگیری سلوک متساهلانده‌ای که در کنه تعالیم اسلامی وجود داشت را درک می‌کرد و به‌عنوان حکیمی فعال در عرصه‌های عملی جامعه، مداراجویی و تعامل را طریق مؤثری برای جذب و هضم عناصر بیگانه مغولی می‌دانست.

پیامدهای کار آمد گفتمان مَهار

هرچند جامعه ایلی مغول در حد فاصل مرگ چنگیز تا زمان اعزام هولاکو به ایران، تا اندازه‌ای متحول شده بود و از آنچه که با عنوان شرایط دوران گذار از آن یاد شد، فاصله گرفته بود؛ اما هنوز ماهیت پررنگ نظامی خویش را حفظ کرده بود. اشرافیت نظامی مغول نیز نسبت به سیاست و اقتصاد، گرایش گریز از مرکز داشتند.^۳ مغول‌ها براساس یاسا عمل می‌کردند و یاسای مغول با همه مصلحت‌اندیشی‌های چنگیز، ماهیت نظامی داشت، و از این منظر آئین‌نامه شمشیر قلمداد می‌شد. قواعد چنگیزی به مدنیت و یک‌جانشینی اهتمامی نداشت و در بهترین حالت، دوری از شهرنشینی را در دستور کار داشت.

در هنگام اعزام هولاکو، قآن مغول، وی را به رعایت دقیق یاسا در کلیات و جزئیات امور توصیه کرده بود و بسط جهان‌گشایی مغول در راستای بسیاری بیلاق و قشلاق را خواسته بود.^۴ این دستور قآن، ضمن اینکه بی‌توجهی به جامعه و اقتصاد مدنی را در خود داشت، بر تداوم جنگ و مبادرت به غارت، به‌عنوان آسان‌ترین طریق معیشتی تأکید می‌کرد. این در حالی بود که جامعه ایرانی، آمدن هولاکو را نویدبخش پایان نابسامانی‌های پس از هجوم مغول می‌دانست^۵ و عزم خود را جزم کرده بود تا در پرتو برخورد مسالمت‌آمیز با مغول‌ها و در پیش گرفتن سیاست مفاهمه با ایلخانان، آنها را به

۱. ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ص ۳۹۳؛ نعمه، فلاسفه شیعه، ص ۲۹۰ - ۲۸۸؛ صبحی، شرح حال و زندگی خواجه نصیر، ص ۲۳۱ - ۲۳۰؛ صابیلی، خواجه نصیر و رصدخانه مراغه، ص ۶۷ - ۶۲

۲. مدرس زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی، ص ۶۶ و ۷۴؛ لین، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، ص ۳۲۰.

۳. ر.ک: پتروشفسکی، اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، ص ۴۶۵ - ۴۶۴.

۴. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۶۸۷.

۵. ر.ک: لین، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، ص ۲۲.

پذیرش سنن سیاسی و اقتصادی مورد نظر خویش ترغیب کند. رهیافت‌های مورد نظر جامعه ایرانی در راستای مهار خوی غیر مدنی مغول که در قالب سلوک خواجه نصیر مورد بررسی قرار گرفت، به سبب پشتوانه‌های غنی فکری و نظری موفق بود و پیامدهای قابل اعتنایی داشت که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. هموار شدن زمینه‌های اسلام‌پذیری ایلخانان

اسلام‌پذیری ایلخانان و برتری شریعت اسلامی بر یاسای چنگیزی، از مهم‌ترین دگرگونی‌های عصر ایلخانان به‌شمار می‌رود که در پرتو تلاش قشر فرهیخته ایرانی، برای غلبه بر مغول و نظم‌ناپذیری کنش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مغول صورت گرفت. اسلام دین صلح است و با زبان مدارا و رویکرد فکری و فرهنگی با مخاطبان برخورد می‌کند. از این‌روی سیاست مسالمت‌آمیز بزرگان ایرانی در مقابله با مغول، رویکردی هم‌نوا با دستورات دینی بود که در ذات خود، زمینه را برای مسلمان شدن مغول‌ها فراهم می‌آورد. تقابل و البته تعامل جامعه ایرانی با مغول و هم‌گرایی مغول‌ها با جامعه دین‌محور ایرانی را برخی از محققان، در قالب مواجهه دین و دولت بررسی کرده‌اند؛^۱ اما این برتری دینی همراه با آن برتری مدنیت ایرانی، واقعیتی بود که در پرتو مواجهه تفاهمی بزرگان مسلمان با مغول به‌دست آمد. بی‌تردید اگر فرهیختگان مسلمانی چون نصیرالدین طوسی به‌جای تعامل با مغول، به تقابل با بیگانگان مغولی ادامه می‌دادند، اسلام‌پذیری ایلخانان با عمق و پیامدهای مؤثری که در خود داشت، به راحتی امکان‌پذیر نمی‌شد.

۲. احیای فرهنگ و تقویت هویت ایرانی

نابودی خلافت عباسی و تکوین حکومت مستقل ایلخانی در جغرافیای سیاسی که قابل انطباق با ایران باستان بود، رشد تاریخ‌نگاری به زبان فارسی به‌عنوان مشخص‌ترین نمود هویت ایرانی، هم‌گرایی عمومی جامعه در جهت مقابله با قوم غالب، ترویج شعر حماسی و شاهنامه‌نویسی که مقوم هویت ایرانی بود، بهره‌گیری حساب‌شده از سلاح دین علیه بیگانگان مغولی، به‌عنوان یکی از میانی مورد تأکید در اندیشه‌های ایرانشهری با ابتنا به ارتباط تنگاتنگ دین و دولت، و گسترش و تعمیق فتوت به‌عنوان جریانی که تداوم‌بخش سنت‌های پهلوانی و عیاری در ایران بود، به‌علاوه تلاش حکومت‌گران برای ظاهر شدن در قامت سلاطین عادل و امنیت‌بخش، برخی از دستاوردهای عهد مسلمانی ایلخانان است که زمینه‌های آن در عهد نامسلمانی ایلخانان و سلوک آگاهانه بزرگان ایرانی و در رأس آنها نصیرالدین طوسی فراهم شده است.

۱. ر.ک: بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۳۶۸ - ۳۶۷.

۳. اصلاحات گسترده عهد مسلمانی

اگر از ورای بینش تاریخ‌نگارانه رشیدالدین فضل‌الله، به عنوان مورخی که به گمان برخی محققان، سعی در برجسته کردن اقدامات عصر غازان و کم‌مقدار جلوه دادن عملکردهای عصر نامسلمانی ایلخانان داشته است،^۱ به اصلاحات عهد غازان نظر کنیم، تردیدی نمی‌ماند که بزرگان عهد مسلمانی ایلخانان (به‌عنوان طراحان و مجریان واقعی اصلاحات عهد غازان) میراث‌خوار تلاش‌های جدی‌تر و پرخطر فرهیختگان ایرانی در عهد نامسلمانی ایلخانان، برای آشنایی آنها با وجوه مدنی و ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی جامعه ایرانی بوده‌اند. اصلاحات عهد غازان، اگر به‌گونه مذکور در حکایت‌های چهل‌گانه *تاریخ مبارک غازانی* به اجرا در آمده باشد،^۲ یک نکته مهم در خود دارد و آن، این است که چنین اصلاحات گسترده‌ای، فکر و انتظاری تدریجی می‌طلبید، و در بهترین وجه تجلی اندیشه‌های عدل‌محورانه امثال نصیرالدین طوسی و حاصل ایستادگی جامعه ایرانی در مقابل زیاده‌خواهی اشرافیت نظامی مغول قلمداد می‌شد.

۴. هم‌گرایی میان مسلمانان

دست‌آورد دیگر تلاش جدی و خطرآفرین اندیشمندان و دولتمردان عهد نامسلمانی ایلخانان، جهت مَهار رفتار گریز از مرکز سران مغولی و حفظ و تداوم سنن سیاسی و اقتصادی ایرانی، هم‌گرایی بیشتر و وحدت رویه بزرگان مسلمان بود که صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهای مذهبی و فرقه‌ای به آوردگاه مغول آمده بودند. درحالی‌که اختلاف میان مسلمانان در عهد هجوم مغول، یکی از عوامل پیروزی مغول در برخی از شهرها قلمداد می‌شد، رویکرد هماهنگ و متعامل مسلمانان - رویکردی که رنگ‌وروی فرهنگی بیشتری داشت - در عهد حکومت‌گری ایلخانان دست‌آورد بزرگی بود که فلاسفه و ادبا و وزرا و فقها و ... را یکسان به ایفای نقش ترغیب می‌کرد.

۵. ترویج رویکرد انتقادی در شعر و ادب

به‌عنوان نمود هم‌گرایی جامعه ایرانی در برابر مغول‌های بیگانه و نامسلمان، نوعی رویکرد انتقادی در شعر و ادب عصر ایلخانان ظهور کرد که در پناه مدارای اعتقادی مغول و ظرفیت فرهنگی متساهلانه‌ای که نصیرالدین طوسی و خاندان جوینی از آن حمایت می‌کردند، رو به رشد نهاد.^۳ البته بی‌التفات ایلخانان به شعر پارسی، به‌ویژه مدیحه‌سرایی نیز در این رویکرد انتقادی که دست شاعران

۱. لین، *ایران در اوایل عهد ایلخانان*، رنسانس ایرانی، ص ۲۱ - ۲۰.

۲. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۱۶۵ - ۱۶۱ و به‌تفصیل ص ۱۶۵ به بعد.

۳. ر.ک: دولتشاه سمرقندی، *تذکره الشعراء*، ص ۱۸۵ - ۱۸۱.

را برای نقد عملکرد سران مغولی بازمی‌گذاشت، مؤثر بود. به غیر از شاعران بزرگی چون مصلح‌الدین سعدی، پوربهای جامی، سیف فرغانی، جمال‌الدین رستاق قوطنی، سید جمال کاشی و ... عمده بزرگان عرصه اندیشه و عمل و به‌خصوص نصیرالدین طوسی و برادران جوینی در شعر و ادب، دست توانایی داشتند و با رویکرد اخلاقی و حکمی شعر می‌سرودند.^۱ شاعران عهد نامسلمانی ایلخانان در ذیل چتر حمایتی رجال و دولتمردان این عهد، به انتقاد از وضع موجود می‌پرداختند و اشعار برخی از آنها تا بدان حد انتقادی است که فصل متمایزی را در شناخت تاریخ عهد ایلخانان می‌گشاید و افقی فراتر از افق ترسیم‌شده در منابع تاریخ‌نگاری را ترسیم می‌کند.^۲

نتیجه

رخوت و انفعالی که در نتیجه شدت عمل مغول‌ها در جامعه و اقتصادبخش مهمی از مناطق ایران به‌وجود آمد، حدود چهار دهه تداوم یافت. در این دوران، جامعه ایرانی در تقابل با عناصر بیگانه و نامسلمان مغولی دچار نابسامانی بود و مبهم بودن وضعیت ایران در تقسیم‌بندی اولوس‌های چنگیزی، رویکرد غارتی کارگزاران مغولی به اقتصاد و جامعه و اختلاف و رقابت آنها در چگونگی اداره قلمرو بر شدت نابسامانی‌ها می‌افزود. در این مرحله که ساختار حکومتی مغول‌ها، دوران گذاری را در عبور از مرحله «اقتصاد عرفی» به «اقتصاد امری» از سر می‌گذراند، بیشتر عملکرد مغول‌ها برپایه رویکرد «اقتصاد نظامی» انجام می‌گرفت.^۳ بنابراین، زیاده‌خواهی و رویکرد گریز از مرکز مغول‌ها، در برخورد با ساختار مدنی جامعه ایرانی امری طبیعی می‌نمود. تشکیل حکومت ایلخانی که در قیاس با دهه‌های نابسامانی مذکور، امنیت و ثبات نسبی را در ایران پدید آورد، قشر فرهیخته و مجرب جامعه ایرانی را بر آن داشت تا در پرتو شرایط نوظهور، مسالمت و تعامل با حکومت ایلخانی را با هدف مهار رفتارهای غیر مدنی مغول‌ها در دستور کار قرار دهد. هرچند بزرگان، اندیشمندان و دولتمردان مسلمان، تمامی وارد عمل شدند و هم‌گرا گفتمان مهار رفتار مغول را سرلوحه کار قرار دادند؛ اما شخصیت آگاه، تیزبین، بی‌بدیل و جامع‌الاطراف نصیرالدین طوسی موجب شد که گفتمان مذکور در لوای شخصیت وی رقم بخورد و در کنار سهم عملی‌تر خاندان جوینی، هدایت فکری قشر تعامل‌جوی ایرانی را خواجه نصیر برعهده بگیرد.

نصیرالدین در دوره حساس حکومت‌گری مغول‌ها، با انگیزه خروج جامعه ایرانی از بحران ناشی از

۱. ر.ک: لین، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، فصول ۷ - ۵.

۲. برای نمونه ر.ک:

Minorsky, *Pur-I Baha, s Mongol, ode*, p. 274-290; Minorsky, *Pur-I Baha and His Poems*, p. 292-304.

۳. ر.ک: رضوی، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، ص ۷۰ - ۶۹.

سیطره مغول، نقش حکیمی واقع‌گرا و دولتمردی موفق را توأمان ایفا کرد، و جایگاه او در فرهنگ سیاسی عهد نامسلمانی ایلخانان، همانند جایگاه بزرگمهر وزیر در عهد خسرو انوشیروان، نظام‌الملک در فرهنگ سیاسی عهد سلاجقه بزرگ، ابن‌سینا در دستگاه بنی‌کاکویه و کم‌رنگ‌تر فارابی در عهد حکومت‌گری حمدانیان بود. خواجه نصیر در پرتو مداراجویی و تعامل‌طلبی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه فرهنگی پرتکاپو بود و در برتری فکر و فرهنگ اسلامی - ایرانی در عهد ایلخانان که در ادامه آن ضرورت احیای هویت ایرانی و انجام اصلاحات ساختاری در جامعه پدید آمد، سهم جدی داشت.

منابع و مأخذ

۱. آقسرائی، محمود بن محمد، *تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار*، به اهتمام و تصحیح عثمان توران، تهران، اساطیر، چ ۲، ۱۳۶۲.
۲. آیتی، عبدالمحمد، *تحریر تاریخ و صاف*، بی‌جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، *نصیرالدین طوسی فیلسوف گفتگو*، تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۶.
۴. ابن‌شاکر الکتبی، محمد، *فوات الوفیات*، (جزء الثانی)، المصر، مطبعة السعادة، ۱۹۵۱ م.
۵. ابن‌عبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرون، *تاریخ مختصرالدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌چپور و حشمت‌الله ریاضی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
۶. بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۷. پطروشفسکی، اب.، *اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان*، در: *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۷۱.
۸. دولت‌شاه سمرقندی، *تذکرة الشعراء*، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
۹. رضوی، سید ابوالفضل، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۹۰.
۱۰. _____، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیر طوسی»، *دو فصلنامه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام*، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، ش ۲ / ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۱ - ۱۱۶.
۱۱. صابیلی، آیدین، *خواجه نصیر و رصدخانه مراغه*، در: *یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

- ۱۰۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، زمستان ۹۲، شماره ۱۳
۱۲. صبحی مهتدی، شرح حال و زندگی خواجه نصیر، در: یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۱۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی، چ ۲، ۱۳۸۷.
۱۴. لین، جورج، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، ترجمه سید ابوالفضل رضوی، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۹۰.
۱۵. مدرسی زنجانی محمد، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی (به انضمام بعضی از رسائل و - مکاتبات وی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۱۶. ناشناس، تاریخ شاهی قراختانیان، به اهتمام و تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
۱۷. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۸. همدانی، رشیدالدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، داستان غازان خان، به اهتمام کارل یان، اصفهان، نشر پرسش، چ ۲، ۱۳۶۸.
۱۹. همدانی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، چ ۳، ۱۳۶۷.
20. Minorsky, *Pur-I Baha And His Poems*, In: Iranica, Twenty articles, vol. 115, Tehran: publication of the Tehran university, 1964.
21. Minorsky. V., *Pur-I Baha, s Mongol, ode*, in: Iranica, Twenty articles, vol. 115, Tehran: publication of the Tehran university, 1964.
22. Lane. George., *Early Mongol Rule In thirteenth- Century Iran*, A Persian renaissance, London: by Routledge Curzon, 2003.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی